

بازخوانی ترجمه و تفسیر آیات ۳۲ و ۳۳ سوره ص و دفاع از شخصیت حضرت سلیمان علیه السلام

دکتر محمد رضا شاه سنائی^۱

چکیده

از جمله آیاتی که معرکه آرای مترجمان و مفسران قرآن کریم گشته و ترجمه‌ها و تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده، آیات ۳۲ و ۳۳ سوره ص است. منشأ اختلاف مذکور، ترجمه واژه «اَوَاب»، در آیه ۳۰، ترجمه حرف «عن» در جمله «عَنْ ذِكْرِ رَبِّي» و همچنین مراجع ضمائر در «توارت» و «ردّوها» است که موجب ارائه سه دیدگاه متفاوت شده است. در این مقاله به بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده و با توجه به ظاهر و سیاق این بخش از آیات، حرف «عن» به معنای تعلیل، واژه «اَوَاب» به معنای رجوع و حضور دائمی در محضر پروردگار است و با در نظر گرفتن ارتباط بین واژه «اَوَاب» و دو آیه بعد از آن، مرجع ضمائر در «توارت» و «ردّوها»، اسباب مشخص شده است. در این دیدگاه برخلاف سه دیدگاه دیگر، ضمن رد انتساب اعمال ناپسند به حضرت سلیمان علیه السلام، صدور هرگونه غفلت و حتی ترک اولی از آن حضرت نفی شده است.

کلیدواژه‌ها: سان دیدن سلیمان، عصمت انبیاء، عن ذکر ربی، اَوَاب، توارت.

شکوه
سال
سی و پنجم
۱۳۹۹ / تابستان

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم.
mohammadshahsanaiee@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۶ (ص ۵۳ - ۷۲).

بیان مسئله

ترجمه و تفسیر آیات مربوط به سان دیدن حضرت سلیمان علیه السلام از اسبان جنگی که نقش یگان زرهی را برای آن حضرت داشتند، همواره معرکه آرای مترجمان و مفسران بوده است.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ* إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْغِيَادُ* فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ* زُذُّوهُمَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ (ص / ۳۰-۳۳).

تأثیرگذاری برخی روایات تفسیری درباره این آیات موجب شده، تعداد زیادی از مترجمان و مفسران، از ظاهر و سیاق این بخش از آیات غفلت نمایند و در نتیجه آیه از شکل یک آیه محکم به یک آیه متشابه تبدیل شده و نسبت‌های نادرستی که با شأن و عصمت حضرت سلیمان علیه السلام ناسازگار است، به ایشان داده شود. پیامبری که پروردگار در قرآن کریم درباره کرامت او اوصافی همچون "نعم العبد"، "اواب" و "له عندنا لزلفا و حسن مآب" به کار برده، در این روایات شخصی معرفی شده که دلبستگی او به رژه اسب‌ها موجب فراموشی نماز و فوت شدن آن می‌شود و ایشان به جای سرزنش خویش به کشتن اسب‌ها می‌پردازد؟!

این در حالی است که محور قرار دادن سیاق این بخش از آیات، ترجمه واژگان به کار رفته در آیات مذکور بر اساس سیاق و مشخص کردن مراجع ضمائر طبق آن، موجب می‌شود که روایات موجود، مخالف ظاهر و سیاق و همچنین مخالف عصمت حضرت سلیمان علیه السلام تشخیص داده و طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم طرد شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از ملاک‌های مهم تشخیص صحت یا عدم صحت احادیث را موافقت یا مخالفت با قرآن ذکر نموده‌اند:

«فما وافق كتاب الله فخذوه وما خالف كتاب الله فدعوه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱)؛
 آنچه موافق کتاب خدا بود اخذ نموده و آنچه مخالف آن بود به دور اندازید. و در روایتی دیگر: «ما خالف كتاب الله فليس مني» (حمیری، ۱۴۱۳: ۹)؛ آنچه مخالف قرآن باشد از

من نیست.

شایان ذکر است که مقاله‌ای در موضوع مذکور نگاشته شده است، ولی نویسندگان محترم توجه بیشتری به روایات داشته‌اند تا به سیاق آیات؛ از این رو صدور ترک اولی از حضرت سلیمان علیه السلام و به دنبال آن «رد الشمس» مورد پذیرش واقع شده است (برومند و دژآباد، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۲۵)، در حالی که در این مقاله تمرکز بر سیاق آیات بوده و ارزش‌گذاری روایات بر مبنای موافقت یا مخالفت با سیاق و ظاهر آیات است.

بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر مربوط به آیه ۳۲ و ۳۳ سوره ص

بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر مختلف از آیات مذکور حکایت از آن دارد که اختلاف نظر در ترجمه واژه «عن» و همچنین درباره تعیین مرجع ضمیر در دو واژه «توارت» و «ردّوها»، موجب سه ترجمه مختلف و به دنبال آن، ایجاد سه تفسیر و دیدگاه مختلف از ماجرای سان دیدن حضرت سلیمان علیه السلام از اسبان شده است. در ابتدا ترجمه و تفاسیر مختلف بررسی شده و در پایان، دیدگاه برگزیده به عنوان دیدگاه چهارم ارائه می‌گردد.

* دیدگاه اول

در این ترجمه «عن» به معنای «علی» می‌باشد. مرجع ضمیر در «تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» خورشید و در «ردّوها» خورشید یا اسبان و «مسح» به معنای بریدن است. ایتی: «گفت: من دوستی این اسبان را بریاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده غروب پوشیده شد. آن اسبان را نزد من بازگردانید. پس به بریدن ساق‌ها و گردنشان آغاز کرد». پاینده: «گفت: من دوستی مال را بریاد پروردگارم مرجح داشتم تا [خورشید] به پرده نهران شد. اسبان را به نزد من بازگردانید و بنا کرد پاها و گردن‌ها را [به شمشیر] بزند». حلبی: «او گفت: بی‌گمان من دوستی اسبان را بریاد کردن پروردگارم بگزیدم، تا [آفتاب] در پرده [شب] پنهان شد. [گفت:] آن‌ها را بر من بازگردانید و به بریدن ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها آغاز کرد».

رهنما: «او گفت: بی‌گمان من دوستی اسبان را بر (ذکر) پروردگارم برگزیدم، تا (آفتاب)

در پرده (شب) پنهان شد. (گفت:) آن‌ها را به من بازگردانید. پس به بریدن ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها آغاز کرد».

فارسی: «گفت: من به جای یاد پروردگارم عشق به مال را در دل پروردم تا خورشید در پس پرده گشت، آن‌ها را بازپس آورید. آنگاه بنا کرد به تیغ نهادن بر ساق و گردنشان (و به راه خدا قربانی کرد به توبه آن غفلت)».

مجتبوی: «پس گفت: من دوستی خیر - یعنی اسبان - را بریادکرد پروردگارم - یعنی نماز عصر - بگزیدم تا [آفتاب] در پرده [شب] پنهان گشت - یعنی فرو شد. آن‌ها (اسبان) را بر من بازگردانید، پس آغاز کرد به سودن دست به ساق‌ها و گردن‌ها [ی آن‌ها] - تا برای کفاره غفلت از یاد پروردگار آن‌ها را در راه خدا «سبیل» کند -».

بروجردی: «سلیمان با تأسف گفت: شدت علاقه‌ای که به اسب دارم مرا از یاد خدا غافل کرد و وقت نماز گذشت و آفتاب در پرده ظلمت پنهان شد. به فرشتگان موکل آفتاب گفت: با اجازه خداوند آفتاب را بازگردانید و چون برگشت و نماز گزارد اسب‌ها را بیرون کشید و سرو گردن آن‌ها را زد تا همه مردند».

تفاسیر مرتبط با ترجمه مذکور

این تفاسیر به دو دسته تقسیم شده و نقطه مشترک آن‌ها، تفسیر آیه با توجه به روایات وارده و دست برداشتن از سیاق و ظاهر آیات است.

گروه اول

برخی از مفسران شیعه و اهل سنت ضمن ترجمه «عن» به «علی»، بازگرداندن ضمائر «تواریت» و «ردوها» به خورشید، و ترجمه «مسح» به قطع و پذیرش ترجیح دادن نظاره نمودن اسب‌ها بر نماز عصر و فوت شدن نماز عصر، تصریح به ذبح اسبان توسط آن حضرت نموده‌اند:

سلیمان غرق تماشای اسب‌ها بود که خورشید سر به افق مغرب نهاد و در حجاب پنهان شد! و نماز عصر ایشان فوت شد. سلیمان که به خاطر از دست رفتن نماز عصرش

ناراحت شده بود از پروردگار خواست تا خورشید را برای من بازگردانید، این تقاضای سلیمان انجام یافت و خورشید بار دیگر به افق بازگشت. ایشان نمازش را به جای آورد و به قطع گردن و ساق اسبان مبادرت کرد؛ چراکه آن‌ها سبب فراموشی یاد پروردگار و نماز او شده بودند! (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳/۶۴۴ و قمی، ۱۳۶۳: ۲/۲۳۴).

گروه دوم

در این دسته از تفاسیر نیز ضمن ترجمه «عن» به «علی»، بازگرداندن ضمائر «توارت» و «ردوها» به خورشید، و ترجمه «مسح» به قطع و پذیرش فوت شدن نماز عصر و کشتن اسب‌ها، به توجیه عمل دوم پرداخته‌اند تا شایبه قبیح بون این عمل را بزایند.

میبیدی در توجیه قتل عام اسب‌ها به نقل قول از ابن عباس نوشته:

«سلیمان آن اسب‌ها را به شمشیری کرد و گردن زد و آن از سلیمان به حق جلّ جلاله تقرب بود و او را مباح بود، هر چند که درین امت کشتن اسبان بر آن صفت مباح نیست و حلال نیست و انجام آنچه که خداوند مباح نموده است، قبیح نمی‌باشد» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۸/۳۴۹).

سمرقندی نیز کشتن اسب‌ها توسط آن حضرت را از این جهت جایز دانسته که آن اقدامی بود تا کوچک بودن دنیا را نسبت به جایگاه فریضه الهی نشان دهد و هم عملی بود جهت تقرب به خدا با از بین بردن آنچه که مانع از طاعت شده بود (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۱۶۷).

علامه فضل‌الله نیز ضمن پذیرش ذبح اسبان، آن را نه به علت خشمناک شدن ایشان از اسب‌ها و انتقام از آن‌ها، بلکه از آن رو که در نفسش محبتی نسبت به اسبان ایجاد شده، قربانی نمود تا با هوای نفسش مقابله نموده باشد. از منظر ایشان با توجه به جواز ذبح اسب‌ها در شریعت آن عصر، مانع شرعی نیز در ذبح اسب‌ها و اطعام آن وجود نداشت (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹/۲۶۲).

بانوامین نیز ضمن ترجیح نظرات مذکور با سیاق این بخش از آیات، مدعی شده که اسب‌های کشته شده از اسب‌های معمولی نبودند و گوشت آن‌ها لطیف و قابل تغذیه بود

که آن حضرت آن‌ها را بین فقرا تقسیم نمود و آن حضرت با این کار نه تنها ظلمی انجام نداده، بلکه دو عمل خوب نموده؛ یکی انفاق و دیگر رفع مانع که از ذکر خدا غافل نگردد (بانوامین، ۱۳۶۱: ۱۱ / ۱۴۹).

* دیدگاه دوم

در این ترجمه «عن» به معنای «علی» و «مسح» به معنای نوازش نمودن است. مرجع ضمیر در «تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» و «رُدُّوْهَا عَلَیَّ» خورشید است.

الهی قمشه‌ای: «در آن حال گفت: (افسوس) که من از علاقه و حبّ اسب‌های نیکواز ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت. آنگاه (با فرشتگان موکل آفتاب) خطاب کرد که (به امر خدا) آفتاب را بر من بازگردانید. (چون برگشت، ادای نماز کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد (و همه را برای جهاد در راه خدا وقف کرد)».

سراج: «و گفت: البته من بگیرم دوستی اسبان را بریاد کردن پروردگارم تا آفتاب غروب کرد. و بازگردانید آن را (آفتاب یا اسبان را) برای من. پس شروع کرد به دست سودن به ساق پای اسبان و گردن‌های آن‌ها».

تفسیر مرتبط با ترجمه مذکور

در این دسته از تفاسیر نیز حرف «عن» به «علی»، و مرجع ضمیر در «توارت» و «ردّوها» خورشید است. این دسته از مفسران نیز ضمن پذیرش فوت شدن نماز عصر، و «ردّ الشمس»، به انکار ذبح اسبان توسط آن حضرت پرداخته‌اند.

شیخ صدوق

ایشان با استناد به روایتی ضمن پذیرش فوت شدن نماز و وقوع ردّ الشمس، به انکار ذبح اسب‌ها پرداخته و منظور از مسح ساق و گردن (خودشان و نه اسب‌ها) را وضوی آن حضرت و یارانش پنداشته است:

«إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عليه السلام عَرِضَ عَلَيْهِ ذَاتَ يَوْمٍ بِالْعَشِيِّ الْخَيْلَ فَاشْتَغَلَ بِالنَّظَرِ إِلَيْهَا حَتَّى تَوَارَتْ الشَّمْسُ بِالْحِجَابِ فَقَالَ لِلْمَلَائِكَةِ رُدُّوا الشَّمْسَ عَلَيَّ حَتَّى أُصَلِّيَ صَلَاتِي فِيهَا وَقْتَهَا فَرُدُّوهَا فَقَامَ فَمَسَحَ سَاقِيهِ وَعُنُقَهُ وَأَمَرَ أَصْحَابَهُ الَّذِينَ فَاتَتْهُمْ الصَّلَاةَ مَعَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ وَكَانَ ذَلِكَ وَضُوءَهُمْ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى...» (صدوق، ۱۴۱۳/۱: ۲۰۲)؛ عصرگاهی حضرت سلیمان به نظاره بررژه اسبها مشغول گشت تا آنکه خورشید غروب نمود. پس آن حضرت به ملائکه گفت که خورشید را بازگردانید تا نماز را در وقتش ادا کنم، سپس به مسح ساق و گردنش اقدام نمود و به یارانش نیز که نمازشان فوت شده بود، دستور داد تا چنین کنند؛ زیرا نحوه وضوگرفتنشان برای نماز به این گونه بود [مسح ساق و گردن]. سپس به اقامه نماز پرداخت... .

شیخ صدوق در ادامه با این استدلال که اسبها تکلیفی ندارند و گناهی مرتکب نشده بودند تا به سبب آن گناه، گردن و ساق ایشان قطع گردد، به رد ادعای ذبح اسبها توسط آن حضرت پرداخته است.

طبرسی و ثعلبی دو مفسر شیعه و اهل سنت، با استناد به روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام و با استناد به عصمت حضرت سلیمان علیه السلام به نفی قطع گردن و ساق اسبها توسط آن حضرت پرداخته‌اند:

ابن عباس گوید: از علی علیه السلام درباره این آیه سؤال نمودم و ایشان پاسخ فرمود: ای ابن عباس چه مطلبی در مورد این آیه به تورا رسیده است؟ ابن عباس پاسخ داد که از کعب شنیدم که می‌گفت: [حضرت] سلیمان آنچنان به [نظاره نمودن] اسبها مشغول شد که نماز عصر از او فوت گردید. ایشان نیز دستور داد تا اسبها را که تعدادشان ۱۴ اسب بود، بازگردانیده و فرمان داد تا گردن و ساق ایشان با شمشیر قطع گردد و خودش به این کار اقدام نمود. خداوند به علت این [ظلم] به مدت ۱۴ روز مملکتش را از دستش خارج نمود؛ زیرا با قتل اسبها به ایشان ظلم نمود. [امام] علی علیه السلام فرمود: کعب دروغ گفته و [حقیقت] این است که [حضرت] سلیمان در روزی مشغول به امور اسب‌هایی شد که تصمیم داشت به وسیله آن‌ها به جهاد با دشمن پردازد تا اینکه خورشید غروب نمود. پس

آن حضرت به امر خداوند به ملائکه دستور داد تا خورشید برگردانده شود و نماز عصرش را در وقتش اقامه نمود و [ای ابن عباس بدان که] پیامبران خداوند ظلم نمی‌کنند و دستور به ظلم هم نمی‌دهند؛ چون معصوم و مطهر هستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۱/۸ و ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۰۰/۸).

صاحب تفسیر المیزان نیز ضمن ردّ ادعای قتل اسب‌ها توسط آن حضرت با استناد به عصمت حضرت سلیمان، مشغول شدن حضرت سلیمان به اسب‌هایی را که در حال آماده شدن برای جهاد در راه خداوند بودند، عبادتی به شمار آورده که مانع از عبادتی دیگر [نماز] شد، هر چند که اهمیت نماز بیشتر بود. ایشان با این استدلال صدور فعل قبیح از آن حضرت را انکار نموده‌اند (طباطبایی، ۲۰۳/۱۷-۲۰۴).

* دیدگاه سوم

در این ترجمه‌ها «عن» برای تعلیل و به معنای «به علت» و «به خاطر» است. مرجع ضمیر در «تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» خورشید یا اسبان و در «رُدُّوْهَا عَلَیَّ»، «الصفات الجیاد» است. «مسح» نیز به معنای نوازش نمودن است.

گرمارودی: «گفت: من دوستی این اسبان را به یاد پروردگارم دوست می‌دارم (و فرمان داد آن‌ها را دوانند و به تماشا ایستاد) تا (از دیدگانش) پنهان شدند. آن‌ها را نزد من بازگردانید! آنگاه به دست کشیدن به ساق و گردن‌ها (ی آن‌ها) آغازید».

ارفع: «او گفت: من اسب‌ها را به خاطر پروردگارم دوست می‌دارم. تا اینکه از برابر چشم‌های پنهان شدند. گفت: اسب‌ها را به من بازگردانید. آنگاه دست به ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها کشید».

مکارم: «گفت: «من این اسبان را به خاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آن‌ها در جهاد استفاده کنم)، او همچنان به آن‌ها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (آن‌ها به قدری جالب بودند که گفت: بار دیگر آن‌ها را نزد من بازگردانید! و دست به ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها کشید (و آن‌ها را نوازش داد).»

احسن الحدیث: «گفت: من دوستی اسبان را بریاد پروردگارم اختیار کردم تا آفتاب در پرده نهران شد. اسبان را بر من برگردانید، آنگاه شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها».

انصاریان: «پس گفت: من دوستی اسبان را بریاد پروردگارم [که نماز مستحب پایان روز است] اختیار کردم [زیرا می‌خواهم از آنان در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آن‌ها نظر می‌کردم] تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد. [اسب‌ها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت:] آن‌ها را به من بازگردانید. پس [برای نوازش آن‌ها] به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها پرداخت».

برزی: «آنگاه [سلیمان] گفت: راستی من دوستی اسبان را بر ذکر پروردگارم برگزیدم تا آنکه [وقت نماز سپری شد و خورشید] در پرده شب پنهان شد. [آنگاه سلیمان گفت:] آن‌ها را نزد من بازگردانید، پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها».

پورجوادی: «گفت: من دوستی اسبان را به یاد پروردگارم برگزیدم تا آنگاه که آفتاب در پرده نهران شد. آن اسبان را نزد من بازگردانید»، سپس به مسح ساق‌ها و گردن آن‌ها پرداخت».

فولادوند: «[سلیمان] گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بریاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجابِ ظلمت شد.» [گفت:] «اسب‌ها] را نزد من بازآورید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن آن‌ها [و سرانجام وقف کردن آن‌ها در راه خدا]».

طاهری: «و گفت: من این اسبان را به خاطر [نعمت] پروردگارم سخت دوست می‌دارم، [مسابقه اسبان را نگاه می‌کردم] تا در پرده [گرد و غبار] از نظرش پنهان شدند. [گفت:] بار دیگر [آن‌ها را نزد من بازگردانید، آنگاه [با توجه و یاد خدا] شروع کرد به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌ها [ی اسبان]]».

رضایی: «و گفت: در حقیقت من (اسبان) نیکو را به خاطر یاد پروردگارم دوست دارم. (و به آن‌ها نگاه کرد) تا اینکه در (پشت) مانعی پنهان شدند. (و گفت:) آن‌ها را نزد من

بازگردانید. پس شروع کرد که بر ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها دست کشد».

* تفاسیر مرتبط با ترجمه سوم

در این دسته از تفاسیر، مفسران با استناد به ظواهر و سیاق آیه، واژه «عن» را به معنای «تعلیل»، و مرجع ضمائر در «توارت» و در «ردّوها» را «صافنات» دانسته‌اند. ایشان روایات مربوط به مشغول شدن حضرت سلیمان علیه السلام به اسب‌ها و غفلت از نماز عصر، «ردّ الشمس» و ذبح حیوانات را ضعیف دانسته‌اند (سید مرتضی، ۱۴۰۹: ۱۳۴-۱۳۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱/۲۵۰ و فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶/۳۹۰-۳۹۲).

مهم‌ترین نقطه قوت این ترجمه که آن را از ترجمه‌های قبل متمایز می‌نماید، دقت و تشخیص در معنای حرف «عن» است که در این آیه به معنای «تعلیل» (به جهت، به علت) می‌باشد.

شایان ذکر است که حرف «عن» در قرآن کریم در شش معنا به شرح ذیل به کار رفته که یکی از آن‌ها «تعلیل» است.

۱. مجاوزت: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور/ ۶۳)؛ پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، بر حذر باشند از اینکه بلایی [در دنیا] یا عذابی دردناک [در آخرت] به ایشان رسد.

۲. بدل: ﴿وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾ (بقره/ ۴۸)؛ بترسید از روزی که در آن کسی به جای دیگری مجازات نشود.

۳. تعلیل: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَاهُ إِيَّاهُ...﴾ (توبه/ ۱۱۴)؛ و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش جز به سبب وعده‌ای که به او داده بود، نبود [که اگر از بت پرستی خودداری کند، برای او آمرزش بخواهد]. چون برای او روشن شد که وی دشمن خداست. از او بی‌بزاری جست. یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود.

﴿وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ﴾ (هود/ ۵۳)؛ ما به خاطر سخنان تو دست از خدایان خویش بر نمی‌داریم و هیچ‌گاه به تو ایمان نمی‌آوریم.

۴. به معنای "علی" (بر): ﴿فَإِنَّمَا يَبِيحُلُ عَنْ نَفْسِهِ﴾ (محمد/۳۸)؛ بر نفس خویش بخش می‌کند.
۵. به معنای "من" (از): ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ (توبه/۱۰۴)؛ آیا ندانسته‌اند که خدا توبه را از بندگان قبول می‌کند.
۶. بعد: ﴿لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ (انشقاق/۱۹)؛ برسید به حالی بعد از حالی (سیوطی، ۱۹۷۵/۲/۲۴۰).

* تفسیر آیات

روزی به هنگام عصر حضرت سلیمان علیه السلام از اسبان تیزرو و چابک خود که برای میدان جهاد آماده کرده بود، سان می‌دید و مأموران با اسب‌های مزبور از جلو او رژه می‌رفتند. حضرت سلیمان در اینجا برای اینکه تصور نشود که علاقه او به این اسب‌های پر قدرت جنبه دنیاپرستی دارد، "گفت: من این اسبان را به خاطر یاد پروردگارم و دستور او دوست دارم." من می‌خواهم از آن‌ها در میدان جهاد با دشمنان او استفاده کنم. ایشان که از مشاهده این اسب‌های چابک و آماده برای جهاد و پیکار با دشمنان خداوند خرسند شده بود همچنان آن‌ها را نگاه می‌کرد و چشم به آن‌ها دوخته بود تا از دیدگانش پنهان شدند. صحنه آن قدر جالب و زیبا و برای یک فرمانده بزرگ همچون حضرت سلیمان نشاط‌آور بود که او دستور داد بار دیگر این اسب‌ها را برای من بازگردانید ﴿رُدُّوْهَا عَلَيَّ﴾. به هنگامی که مأمورانش این فرمان را اطاعت کردند و اسب‌ها را بازگرداندند، سلیمان شخصاً آن‌ها را مورد نوازش قرار داد و دست به ساق‌ها و گردن‌های آن‌ها کشید (مکارم، ۱۳۷۴/۱۹/۲۷۳).

مطابق تفسیر مذکور، گناهی از حضرت سلیمان علیه السلام سر نزده تا بخواهیم به توجیه آن پردازیم.

نقاط قوت این دیدگاه

استناد به سیاق و ظواهر آیات، عنایت به عصمت حضرت سلیمان علیه السلام و توجه به

منشأ (اسرائیلی بودن) روایات وارده در تفسیر آیات مذکور، مهم ترین وجه این تفسیر است. سید مرتضی با توجه به ظاهر و سیاق این بخش از آیات سوره ص که با مدح و تمجید پروردگار از آن حضرت شروع شده (نعم العبد)، روایات وارد شده مبنی بر صدور فعل قبیح از حضرت سلیمان را در تعارض با این ظواهر دانسته و رد نموده است:

ظاهر آیه بر انجام عمل زشتی توسط حضرت سلیمان دلالت ندارد و روایات هنگامی که مخالف با ادله [نقلی و عقلی] باشد مورد توجه قرار نمی گیرد، اگر چه این روایات به ظاهر قوی باشد؛ اما اگر روایت ضعیف و سست باشد [به طریق اولی] مورد پذیرش قرار نمی گیرد. در این آیه ابتدا خداوند به مدح و ثنای حضرت سلیمان پرداخته، آنگاه که فرمود: «نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» و جایز نیست [بر حکیم] که به ثنای کسی پردازد و بلافاصله به ذکر زشتی های او اقدام نماید (سید مرتضی، ۱۴۰۹: ۱۳۴-۱۳۶).

ابن شهر آشوب نیز با استناد به ظاهر و سیاق این بخش از آیات، به نامعتبر بودن روایات وارده مبنی بر غفلت حضرت سلیمان از نماز، ردّ الشمس و کشتن اسب ها پرداخته است: غفلت از نماز و فوت شدن آن از وقتش و قطع نمودن گردن و پاهای اسب ها، برخلاف [سیاق] آیه است؛ زیرا در ابتدا خداوند این بخش از آیات را با تکریم از آن حضرت آغاز نموده و جایز نیست بلافاصله پس از جمله «نعم العبد» به شرح انجام فعل ناشایسته ای از ایشان پردازد. مرجع ضمیر در «توارت» و «ردّوها» نیز «صافنات» مذکور در آیه است، نه خورشید که هیچ صحبتی از آن در آیه نیست. منظور از «مسحاً بالسوق والأعناق» نیز همان نوازش نمودن و شستشوی آنهاست که کاری متداول است، نه قطع نمودن گردن و پاهای اسب ها. هیچ گاه عرب واژه «مسح» را به معنای قطع به کار نمی برد. (علاوه بر نکات مذکور) در آیه هم نامی از شمشیر نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱/۲۵۰).

فخر رازی مفسر مشهور اهل سنت نیز مانند ابن شهر آشوب با استناد به ظاهر و سیاق این بخش از آیات، ضمن ترجمه «عن» به تعلیل، مرجع ضمیر در «توارت» و «ردّوها» را «صافنات» دانسته و به ردّ دیدگاه اول پرداخته است. برخی از دلایل ایشان به شرح ذیل است:

الف - «صافنات» در آیه تصریح شده، در حالی که صحبتی از خورشید نیست و بازگشت ضمیر به آنچه ذکر شده اولویت دارد بر آنچه در تقدیر است.

ب - اگر «توارت» به خورشید بازگردد و آن حضرت به علت مشغول شدن به اسبان از نماز غافل شده باشد، گناه عظیمی مرتکب شده و شایسته است که پس از آن به تضرع و بکاء به درگاه پروردگار روی آورد، نه آنکه با گستاخی تمام دستور دهد تا خورشید بازگردد. این از اخلاق افراد عادی نیز به دور است چه رسد به پیامبر طاهر و مکرمی همچون سلیمان!؟

ج - با توجه به اینکه خداوند سبحان تنها قادر بر افلاک و ردّ الشمس است، باید حضرت سلیمان از پروردگار یکتا درخواست می نمود تا خورشید را بازگرداند؛ نه اینکه با بی ادبی تمام جمعی را مورد خطاب قرار دهد، همان گونه که با خدمتکارانش سخن می گوید! پس «ردّوها» (فرمان به بازگرداندن) با دستور به زیردستانش برای بازگرداندن اسبها تناسب دارد و نه بازگرداندن خورشید!

د - ترجمه «مسح» به «قطع» خلاف ظاهر واژه و برخلاف ظاهر آیه است؛ زیرا در آیه صحبتی از شمشیر نیست.

ه - طرف داران این تفسیر (غفلت حضرت سلیمان از نماز و کشتن اسبان) اعمال ناپسند و سخیفی را به ایشان نسبت داده اند که با عقل و نقل و ظاهر این آیات و عصمت انبیاء در تضاد کامل است و تعجب از افرادی که این دیدگاه را پذیرفته اند! (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶/۳۹۰-۳۹۲).

برخی نیز با استناد به ظواهر و سیاق این بخش از سوره ص، «نعم العبد» بودن و «اواب» بودن (که به معنای حضور دائمی در محضر پروردگار دانسته است) آن را در تعارض با نسیان ذکر خداوند دانسته و به طرد روایات وارده در این موضوع می پردازد. ایشان در اینکه مرجع ضمیر در «توارت» و «ردّوها»، «اسبان» است این گونه استدلال می کند:

اولاً در این آیات صحبتی از خورشید نیست. ثانیاً خورشید بازگردانده شده، گردن و

ساق ندارد تا آن حضرت به مسح آن مشغول گردد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۵/۲۴۷). برخی نیز روایات وارد شده دربارهٔ این آیه مبنی بر ترجیح محبت اسبان بر نماز، فوت شدن نماز عصر و ذبح اسبان بی‌گناه را مخالف موازین عقل و حتی دون شأن یک انسان عادی دانسته و علاوه بر نقد محتوایی روایات وارده، اسناد آن را نیز مورد ایراد قرار داده‌اند: «اگر در اسناد این احادیث دقت کنیم، تصدیق خواهیم کرد که هیچ‌کدام سند معتبری ندارد، و غالباً روایات مرسله است» (مکارم ۱۳۷۴: ۱۹/۲۷۷).

مفسران دیگری همچون مغنیه نیز تفاسیر دسته اول را در تنافی با مقام نبوت حضرت سلیمان دانسته و به رد آن پرداخته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۱/۶۰۱).

صابونی، نووی و زحیلی نیز با استناد به ظواهر و سیاق این بخش از آیات، به اعتبار نداشتن روایات دال بر ترجیح محبت اسبان بر نماز، فوت شدن نماز عصر و ذبح اسبان بی‌گناه توسط حضرت سلیمان پرداخته‌اند (نووی، ۱۴۱۷: ۲/۳۱۸؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۳/۵۳ و زحیلی، ۱۴۲۲: ۳/۲۲۰۶). آقای زحیلی تصریح نموده که روایات مذکور از اسرائیلیات است (زحیلی، ۱۴۲۲: ۳/۲۲۰۶).

شواهد فراوانی بر صحت این ادعا وجود دارد. «کعب الأحبار» به عنوان منشأ برخی از این روایات، از جمله این شواهد است. در روایت ابن عباس از امیرمؤمنان علیه السلام، ابن عباس تصریح می‌کند که قضیه قتل اسب‌ها توسط حضرت سلیمان را از کعب الأحبار شنیده و امیرمؤمنان علیه السلام نیز با دروغگو خواندن کعب الأحبار این قضیه را انکار می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۷۴۱ و ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۲۰۰).

بررسی روایات ساختگی وارد شده در ذیل آیات ۲۳ و ۲۴ همین سوره (سوره ص) مبنی بر انتساب اعمال بسیار ناپسندی به حضرت داوود علیه السلام، از جمله اقدام وی برای تصاحب همسراوریا و دیگر تهمت‌های بسیار زشت نسبت داده به آن حضرت که منشأ توراتی دارد (تورات، کتاب دوم "اشموئیل"، فصل یازده، جمله‌های ۲ تا ۲۷)، حکایت از آن دارد که برخی علمای یهودی (به ظاهر مسلمان شده) از جمله کعب الأحبار با انتقال این مطالب تحریفی از تورات به روایات تفسیری قرآن، در مخدوش نمودن شخصیت پیامبران

عظیم الشانی می کوشیدند که در قرآن با اوصافی همچون: «خليفة الله»، «نعم العبد»، «له عندنا لزلفى و حسن مآب» از آنان تجلیل شده است.

اشکال این دیدگاه

هرچند دیدگاه مذکور نقاط قوت بسیاری (تطابق با ظاهر و سیاق آیه و توجه به شأن و جایگاه حضرت سلیمان) دارد، ولی در آن ارتباط بین «اَوَاب» بودن حضرت سلیمان با دو آیه بعد مشخص نشده است. به عبارت دیگر، چه اتفاقی در قضیه سان دیدن آن حضرت از اسب ها رخ داده که پروردگار بلافاصله پس از ذکر «اَوَاب» به آن می پردازد؟!

* دیدگاه چهارم (دیدگاه نویسنده)

قبل از ارائه این دیدگاه لازم است واژه «اَوَاب» از نظر معنای لغوی و کاربرد آن در قرآن بررسی شود.

بیان مفهوم «اَوَاب»

«اوب» در اصل به معنای رجوع است (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۴۱۶/۸)، ولی نه رجوع از گناه برخلاف «توب»، بلکه رجوع به اطاعت و رضایت پروردگار (طوسی، بی تا: ۵۵۹/۸).

سعید بن جبیر واژه «اَوَاب» را «تسبیح کننده» و ابن عباس «اطاعت کننده» معنا کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۰/۸).

به نظر می رسد، معنای «شدید الرجوع و التوجه الی الله» و رجوع از عالم ماده و طبیعت و وابستگی های مرتبط به آن، به سوی عالم نور و روحانیت (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۵۹) دقیق ترین معنا برای واژه مذکور باشد که با کاربرد موارد قرآنی آن نیز تطابق کامل دارد. واژه یاد شده پنج بار در قرآن کریم به کار رفته که چهار مورد آن درباره سه تن از پیامبران الهی (حضرت داود، سلیمان و ایوب علیهم السلام) است. تسبیح دائمی پروردگار («يُسَبِّحُنَّ بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ» - سوره ص / ۱۸)، در حفظ پروردگار بودن («لِكُلِّ أَوَابٍ حَفِيظٌ» - سوره

ق/۳۲) و مقام «نعم العبد» بودن از شاخصه‌های واژه مذکور در آیات قرآن کریم در دو سوره ق و ص است.

اتصاف به صفت مذکور موجب می‌گردد انسان نه تنها دائماً خود را در محضر پروردگار ببیند و به تسبیح دائمی مشغول گردد، بلکه عالم طبیعت نیز به تسخیرش درآمده، هم صدا با او تسبیح‌گوی پروردگار شوند: ﴿... إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ * وَالطَّيْرُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَهُ أَوَّابٌ﴾ (سوره ص/ ۱۷-۱۹).

چنین انسانی به اخذ لقب «نعم العبد» از جانب پروردگار مفتخر می‌گردد: ﴿نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (سوره ص/ ۳۰ و ۴۴) و اجازه نمی‌دهد هیچ‌گونه غفلتی (ولو به صورت موقت) حجابی میان او و مولایش ایجاد نماید.

با این مقدمه به ارائه دیدگاه چهارم می‌پردازیم.

در این دیدگاه «عن» تعلیل و به معنای «به علت و به خاطر» است. مرجع ضمائر در «تورات» و «ردوها» اسبان می‌باشد. توجه به ارتباط بین «اَوَّاب» و دو آیه بعد، هرگونه شائبه در مورد صدور هرگونه غفلتی از حضرت سلیمان عليه السلام، فوت شدن نماز و نیاز به «رد الشمس» و... را برطرف می‌نماید.

ترجمه آیات

و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه بنده خوبی؛ چرا که (سلیمان) همواره (در هرکاری) به خداوند رجوع می‌نمود (و همیشه به یاد او بود). (از مصادیق این رجوع همیشگی این بود که) در عصرگاهان که به سان دیدن از اسبان چابک و تیزرو مشغول بود (پروردگار را فراموش ننمود) و (به پروردگار رجوع نمود و این عمل را با رضایت پروردگار محک زد)، گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگار دوست دارم (و همچنان به اسبان نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (مشاهده اسبان جنگی جهت جهاد فی سبیل الله آن قدر برای آن حضرت خوشایند بود که فرمود: آن‌ها را برگردانید و خود به نوازش ایشان و دست کشیدن به گردن و ساق آن‌ها مشغول شد.

توضیح اینکه پروردگار پس از توصیف حضرت سلیمان علیه السلام به «نعم العبد» و «اَوَاب»، بلافاصله به ذکر مصداق بارزی از «اَوَاب» بودن آن حضرت پرداخته و به قضیه سان دیدن آن حضرت از اسبان جنگی اشاره کرده است.

گاهی انسان‌های باایمانی یافت می‌شوند که در حالت خلوتی امور و... ارتباط خوبی با پروردگار دارند، ولی هنگامی که به مسئولیتی منسوب می‌شوند، مراجعات، برنامه‌های مختلف، مشغله‌ها و... مانع می‌شود که در تمام این امور خود را در محضر پروردگار ببینند و همهٔ امور را در جهت رضایت الهی سامان دهند.

ویژگی ممتاز و هنر حضرت سلیمان علیه السلام و تمام همت حضرتش این بود که در همهٔ شرایط، رضایت پروردگار را سرلوحهٔ اعمالش قرار دهد و در آن شرایط جنگی و مشغله‌های مربوط به آن، که هر کس مشغول کار محوله است، ایشان سان دیدن از اسبان جنگی و لذت از مشاهدهٔ آماده بودن آن‌ها را با رضایت الهی محک زد و با رجوع به پروردگار و مناجات با آن حضرت اطمینان یافت محبتی که آن حضرت به اسبان جهاد دارد جز برای رضایت پروردگار نیست و کمترین هوئی و هوس در آن راه ندارد. پس از این حصول اطمینان بود که دستور داد اسبانی که از چشم ایشان دور شده بودند، بازگردند و آن حضرت خود شخصاً به نوازش و آماده نمودن آن‌ها برای جهاد فی سبیل الله اقدام کرد.

بررسی این ترجمه

در این ترجمه علاوه بر توجه به تطابق با ظاهر و سیاق این بخش از آیات و شأن و جایگاه حضرت سلیمان، ارتباط بین «اَوَاب» با جملهٔ «اذ عرض علیه...» نیز مشخص گردیده و نقطهٔ ضعف دیدگاه قبلی برطرف شده است. وجه تمایز این ترجمه با ترجمهٔ قبل، دقت در معنای «اَوَاب» و ارتباط آن با آیهٔ بعدی است.

نتیجه

بررسی سیاق آیات ۳۱ تا ۳۳ سوره ص دربارهٔ سان دیدن حضرت سلیمان علیه السلام از اسبان جنگی و ترجمهٔ واژگان به کار رفته در این بخش از آیات به ویژه توجه به معنای واژه

«اَوَاب» و حرف «عن» حکایت از این دارد که آیات مذکور سراسر تمجید از بنده صالحی است که خود را دائماً در محضر پروردگار مشاهده نموده، در هر امری ابتدا به خداوند رجوع می‌کند و آن را با رضایت خداوند سبحان محک می‌زند. با این تفسیر نه تنها غفلت، که هیچ‌گونه ترک اولی نیز توسط حضرت سلیمان علیه السلام انجام نشده است تا نیاز به «ردّ الشمس» و... باشد. البته این به معنای انکار امکان وقوع «ردّ الشمس» نیست، بلکه درصدد اثبات این نکته است که سیاق این بخش از آیات بر وقوع آن در قضیه سان دیدن حضرت سلیمان علیه السلام دلالت ندارد.

بررسی روایات تفسیری وارد شده در تفسیر آیه به ویژه آن دسته روایاتی که نسبت‌های ناپسندی به آن حضرت وارد نموده، ریشه اسرائیلی دارد و وجود اشخاصی همچون کعب الأحبار به عنوان منشأ صدور برخی از این روایات، این دیدگاه را که چنین روایاتی از اسرائیلیات است و برای مخدوش کردن شخصیت این پیامبر الهی ساخته و پرداخته و به عنوان روایات تفسیری، وارد منابع اسلامی شده، تقویت می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *متشابه القرآن و مختلفه*، بیدار، قم، ۱۳۶۹ق.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۴۰۸ق.
۴. ارفع، سید کاظم، *ترجمه قرآن*، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، تهران، ۱۳۸۱ش.
۵. امین، سیده نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۶. الهی قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن*، انتشارات فاطمه الزهراء، قم، ۱۳۸۰ش.
۷. انصاریان، حسین، *ترجمه قرآن*، اسوه، قم، ۱۳۸۳ش.
۸. آیتی، عبدالمحمد، *ترجمه قرآن*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴ش.
۹. برزی، اصغر، *ترجمه قرآن*، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۰. بروجردی، سید محمد ابراهیم، *ترجمه قرآن*، صدر، تهران، ۱۳۶۶ش.

۱۱. برومند، حسین و حامد دژآباد، «بررسی ماجرای سان دیدن حضرت سلیمان از اسبان در قرآن کریم»، *دوفصلنامه تحقیقات علوم قرآنی و حدیث*، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، *ترجمه قرآن*، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۵۷ ش.
۱۴. پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن*، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف والبیان المعروف بتفسیر الثعلبی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۱۶. حلبی، علی اصغر، *ترجمه قرآن*، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، *ترجمه قرآن*، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. رهنما، زین العابدین، *ترجمه قرآن*، سازمان اوقاف، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۲۱. زحیلی، وهبه، *التفسیر الوسیط*، دار الفکر، دمشق، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۲۲. سراج، رضا، *ترجمه قرآن*، سازمان چاپ دانشگاه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۲۳. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۲۴. سید مرتضی، *تنزیه الانبیاء*، مرکز الأبحاث العقائدیة، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، منشورات رضی، قاهره، ۱۹۷۵ م.
۲۶. صابونی، محمد علی، *صفوة التفاسیر*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. طاهری قزوینی، علی اکبر، *ترجمه قرآن*، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳۰. طباطبایی نجفی، سید هاشم، *التهذیب لمعنی اللیب*، منشورات مکتب طباطبایی، قم، بی تا.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۴. *عهد عتیق و عهد جدید*، لندن، ۱۹۳۵ م.

۳۵. فارسی، جلال‌الدین، ترجمه قرآن، نشر انجام کتاب، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۸. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، هیئت علمی قرآن کریم، تهران، ۱۴۱۸ ق.
۳۹. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۳ ش.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. گرماردی، علی، ترجمه قرآن، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴۳. مجتبی، سید جلال‌الدین، ترجمه قرآن، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۴۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۵. مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۲۵ ق.
۴۶. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، تحقیق عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، ۱۳۷۳ ش.
۴۸. ———، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۵۰. نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.